

احکام اضطراری در فقه

بهنام قنبرپور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد قانمشهر

◆ چکیده:

مخدانوند مَنان برای تأمین مصالح مسلمین و دفع مفسده از ایشان و برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی شریعتی آسان مقرر نموده است. احکام الهی که احیاءکننده و موجب تعالی روح انسان است گاهی در موقعیت‌های خاص برای راحتی مکلفین از اصل خود عدول کرده و شرایط جدیدی به خود می‌گیرد. یعنی آن‌جایی که ضرری وجود مسلمان و جامعه او را تهدید کند، احکام اولی و واقعی که ابتدائاً ثابت به نظر می‌رسد با رعایت شرایطی خاص تغییر کرده و پس از آن «احکام اضطراری یا ثانوی» خوانده می‌شود. در این مقاله به ادگه موجود در این زمینه و موارد کاربردی احکام اضطراری در حقوق اسلامی، اشاره‌ای مختصر شده است.

کلمات کلیدی: ضرر- اضطرار- رخصت- عزیمت- اولی- ثانوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بر کسی پوشیده نیست، کاری که انسان انجام می‌دهد از سه حالت خارج نیست: ۱- کاری که به آسانی قابل انجام است مثل خوردن، آشامیدن ۲- کاری که انسان قادر به انجام دادن آن نیست مثل پرواز به آسمان بدون وسیله ۳- کارهایی که انسان قادر به انجام دادن آن است ولی همراه با رنج و مشقت مثل روزه گرفتن در حال بیماری.

امر و نهی خدا به قسم اول محال نبوده و عقل آن را قبیح نمی‌داند. اما قسم دوم را عقل تأیید نمی‌کند و خداند حکیم نیز انسان را تکلیف به مالا یطاق نمی‌کند چون در قرآن مجید آمده است:

«لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، آیه ۲۸۵)

اکنون بحث ما درباره قسم سوم یعنی تکلیف انسان به کاری که مستلزم ضرر و مشقت و رنج است، می‌باشد. آیا خداوند مهربان از بندگان خود کاری که انجام دادن آن توأم با سختی و ضرر است را طلب می‌کند یا خیر؟ مثلاً انجام عباداتی که با ضرر و زیان و عسر و حرج همراه است مانند غسل یا وضو با پدید آمدن جراحت در بدن، امتناناً تبدیل به تیمم یا وضو و غسل جبیره می‌شود. هم‌چنین از عمده مسائلی که در باب مسؤلیت کیفری همواره مورد توجه و تأیید ملل مختلف در همه زمان‌ها بوده؛ این است که هر کس به حکم ضرورت و ناچاری به میزانی که خطری او را تهدید کند، مرتکب عملی شود، عمل او را می‌توان توجیه کرد. مثلاً اگر برای نجات جان خود در صحرائی بی‌آب و علف با گرسنگی مواجه شود، و از طرفی غیر از گوشت مردار چیز دیگری پیدا نشود، در این صورت جان و نفس مؤمن که از قداست الهی برخوردار است مهم‌تر از اکل میته است، لذا خوردن اندازه‌ای از گوشت مردار که جان او را حفظ کند تجویز شده است. و محرمانی چون شرب خمر، الکل میته و تصرف در مال دیگران، تشریح جسد مسلمان و.. در صورتی که عدم ارتکاب آن ضرر و خسرانی را متوجه جان و مال و ناموس مسلمین کند از طرف قانون‌گذار الهی چشم‌پوشی شده و به مقدار ضرورت حلال شمرده می‌شود.

ادله قرآنی:

۱- یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر. (بقره/ ۱۸۵) (خداوند راحتی بندگان را می‌خواهد نه سختی). تفسیر این آیه شریفه آن است احکامی که مشتمل بر سختی و زیان باشد از امت اسلامی

برداشته شده است و خداوند به بندگان لطف کرده، شریعت آسان را برای او مقرر نموده است.

۲- ما جعل علیکم فی الدین من حرج. (حج/ ۷) آیینی که دارای مشقت و ضرر باشد برای شما وضع نگردیده است. یعنی خداوند احکامی را که مبتنی بر رنج و سختی و زیان باشد از بندگان خود برداشته است.

۳- اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمِیْتَةَ وَالْدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخَنزِیْرِ وَ مَا اَهْلٌ بِهٖ لِغَیْرِ اللّٰهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَآغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَیْهِ اِنْ اَللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ. (بقره/ ۱۷۳) خداوند تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک و آن‌چه نام غیرخدا هنگام ذبح بر آن‌ها گفته شود، حرام کرده و آن کسی که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست.

۴- وَ مَا لَکُمْ اِلَّا لِاتَّكَلُوْا مِمَّا ذَكَرَ اسْمَ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَکُمْ مَا حَرَّمَ عَلَیْکُمْ اِلَّا مَا اضْطُرْتُمْ اِلَیْهِ. (انعام/ ۱۱۹) شما را چه شده است که از آن چه نام خداوند بر آن برده شده نمی‌خورید؟ در حالی که آن چه بر شما حرام شده به تفصیل بیان شده است. مگر این که ناگزیر از خوردن آن شوید.

۵- فَمَنْ اضْطُرَّ فِیْ مَخْصَمَةٍ غَیْرِ مِتْجَانِفٍ لِاِثْمٍ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ. (مائده/ ۳) اما آن‌هایی که در حال قحطی و گرسنگی دست‌شان به غذای دیگری نمی‌رسد در حالی که متمایل به گناه نشوند، خداوند آمرزنده و مهربان است. یعنی اگر در این وضعیت از محرّمات استفاده کنند، با رعایت دیگر شرایط یعنی این که غذای حلال غیر از آن پیدا نشود، گناهی متوجه مرتکب آن نخواهد بود.

ادله روایی

۱- پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معروف به نام حدیث رفع فرمود: «رَفَعَ عَنِ اُمَّتِیْ تَسَعَةً... مَا لَا یَطِیْقُوْنَ وَ مَا اضْطُرُّوْا اِلَیْهِ» (مؤاخذه یا تکلیف اموری که در توان امت من نیست یا به کاری مضطر شده‌اند برداشته شده است). (کلینی، چاپ دوم، جلد ۵، ص ۴۹۴) یعنی خداوند مهربان از سر رحمت و رأفت خود، به بندگان لطف داشته و کارهای سخت و دشوار را بر آن‌ها تکلیف نکرده و مرتکب آن را عذاب نمی‌کند.

۲- هم‌چنین پیامبر (ص) در حدیثی خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «بِعِثْتُ بِالْشَّرِیْعَةِ السَّمْحَةَ السَّهْلَةَ» (محمد بن یعقوب کلینی، چاپ دوم، جلد ۵، ص ۴۹۴) (من با شریعتی آسان و راحت برانگیخته شده‌ام) از این حدیث استنباط می‌گردد که خداوند از روی لطف و فضل، احکام حرجی را از امت پیامبر اسلام برداشته است. لذا خداوند از زبان پیامبر در شب معراج می‌فرماید: «بَارَأَ لَهَا کَارِ دُشَوَارَ رَا بَرِ مَا

بار نکن، همان گونه که بر گذشتگان ما بار نکردی» (بقره/ ۲۸۵) یا در جایی دیگر اشاره می کند که رنج و مشقت امت اسلامی بر او سخت و ناخوشایند است.

۳- هم چنین حفص بن غیاث از امام صادق (ع) نقل می کند: «یا حفص: ما انزلت الدنيا من نفسی الاّ به منزله الميته اذا اضطرت اليها اكلت» (مصطفوی، ۱۴۱۲ هـ.ق. ص ۲۱۵) در این حدیث امام (ع) دنیا را به منزله مردار تلقی می کند که در صورت اضطرار می توان از آن استفاده نمود. لذا دلالت آن بر حلال شدن محرّمات به هنگام اضطرار، واضح و روشن است.

۴- روایتی که ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می کند در آن حدیث آمده است: «لیس شیئی مما حوّم الله الاّ و قد احلّه لمن اضطرّ اليه» (محمدحسن حر عاملی، ۱۳۷۶ هـ.ق. جلد ۵، ص ۷) (هیچ حرامی نیست مگر آن که خداوند آن را در حال اضطرار حلال کرده است) دلالت این حدیث بر اثبات مدعی ما کامل است. چون اضطرار را در محرّمات و ترک واجبات رافع مسؤولیت می داند.

۵- روایتی است از مفضل که از امام صادق (ع) نقل می کند و در آن حدیث امام (ع) پس از بیان این که احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد است، می فرماید: «و علم ما یضرمهم فنها هم عنه و حرمه علیهم ثم اباحه للمضطر» (حر عاملی، ۱۴۱۲ هـ.ق. جلد ۲۵، باب ۱، ح ۱، ص ۹) خداوند می داند آن چه را که بر بندگانش مضر است، از این روی بندگان خود را از آن نهی فرموده و آن را بر آنان حرام کرده و سپس بر کسانی که مضطر باشند، مباح فرموده است.

۶- روایتی که شیخ صدوق (ره) از امام صادق (ع) نقل می کند: «من اضطرّ الی الميته و الدّم و لحم الخنزیر فلم یأکل شیئاً من ذلك حتی یموت فهو کافر» (حر عاملی، ۱۴۱۲ هـ.ق. ج ۲۴، ص ۲۱۶) (هر کس که به خوردن میت و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن ها نخورد تا بمیرد، کافر است) این روایت هر چند در خصوص میت و خون و خوک آمده است لکن به تناسب حکم و موضوع درمی یابیم که اگر کسی به خوردنی ها و آشامیدن های دیگر مضطر شود به گونه ای که اگر نخورد می میرد باید برای حفظ جان خود از آن ها استفاده کند، در غیر این صورت محکوم به کفر است زیرا این عمل او یک نوع خودکشی محسوب می شود. و خداوند مهربان هم در قرآن مجید اشاره می کند که ای بندگان من: «جانی که به شما به رسم امانت، هدیه نمودم با دستان خود آن را به هلاکت نرسانید». از این حدیث استنباط می شود هر جا که ضرری، موقعیت انسان را تهدید بکند، و هیچ راه گریزی از آن نباشد، به قدر ضرورت به اندازه ای که انسان بتواند سلامتی خود را حفظ

نماید مجاز است که محرمات را مرتکب شود، بدون این که گناهی بر او نوشته شود. در غیر این صورت او جلوتر از خدا و رسول حرکت کرده و به خاطر مخالفتی که با امر خداوند کرده در حکم کافر تلقی می‌شود.

سیره عقلا

همه خردمندان یک جامعه بدون در نظر گرفتن مذهب و دین آنان بر این اصل اتفاق دارند که هرگاه شخصی از روی ناچاری و دفع ضرری که حیات و سلامتی او را تهدید می‌کند، مرتکب حرامی شود یا واجبی را ترک کند، او را مورد مؤاخذه قرار نداده و عمل او را توجیه عقلانی می‌کنند. زیرا چنین شخصی بین دو محذور گرفتار آمده و عقل حکم می‌کند که آن جهت اهم بر جانب مهم ترجیح داده شود، چنان که خوردن گوشت مردار بر تحمل گرسنگی در جایی که خوف نفس باشد ارجحیت دارد. لذا از آنجایی که شارع مقدس با این موارد استثنا شده مخالفتی نمی‌کند نتیجه می‌گیریم که ارتکاب امور ممنوع در صورت اضطرار جایز است و این یک اصلی است که مورد تأیید شارع و حجیت دارد. به عنوان مثال در حقوق موضوعه ما عبور از چراغ قرمز در حالت اضطراری برای رانندگان آمبولانس و ماشین‌های آتش‌نشانی بلامانع است. تا جایی که این اصل به صورت یک قانون مسلم و بدیهی در قواعد فقه تحت عنوان: «الضرورات تبیح المحذورات» از جایگاه خاصی برخوردار است.

احکام اولی و ثانوی

حکم اولی: عبارت است از حکم شارع در هر قضیه‌ای بدون توجه به علم و جهل و بدون توجه به حالات مختلف انسان صادر می‌شود، مثلاً حکم شرب خمر، اولاً و بالذات حرام است یا حکم اولی و واقعی چراغ قرمز، توقف است.

حکم ثانوی: حکمی است که برای مکلف با توجه به حالات مختلف او وضع شود، مثلاً می‌دانیم روزه ماه رمضان واجب است (حکم اولی) ولی همین حکم نسبت به مسافر، مریض، زنان و پیران در بعضی حالات، تغییر می‌کند. از این رو آن را حکم واقعی ثانوی گویند و چون بیش‌تر مصادیق کاربردی آن در حالت اضطرار است، آن را حکم اضطراری گویند.

رخصت و عزیمت:

رخصت، رفع منعی است که در شرایط خاصی به خاطر سبک کردن بار مکلف، قانون‌گذاری شده است، مثل احکامی که در شرایط اکراه و اضطرار و ضرر وضع شده است. و مراد از عزیمت، احکام اولیه است، یعنی آن دسته از احکامی عمومی که اصالتاً قانون‌گذاری شده و اختصاص به شرایط خاصی و به مکلف خاصی ندارد، مانند وجوب نماز و روزه و سایر احکام. لذا گفته‌اند: که هر دو از احکام تکلیفی هستند اما عزیمت احکام اولیه است و رخصت، احکام ثانوی می‌باشد. (دکتر علیرضا فیض، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۱۸)

فرق اضطرار با اکراه

اضطرار حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد، اما اکراه همراه با تهدید و اجبار است. یعنی در اکراه؛ شخص، دیگری را به انجام کاری وادار می‌کند و او را مجبور می‌نماید تا عملی را مرتکب شود لذا در اکراه همیشه پای دو نفر به میان است که یکی اکراه‌کننده (مکروه) است و دیگری (مکروه) اما اضطرار حالتی است که شخص آن را از روی سختی و رنج به همراه کراهت و ناخشنودی انجام می‌دهد.

به چه کسی مَضْطَرّ گفته می‌شود:

اضطراری که رافع مسؤلیت قانونی است زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخص راه دیگری برای خروج از این حالت پیش آمده نداشته باشد. لذا این مورد استثنا شده قانونی نباید مجوزی برای سوءاستفاده و توجیه جرایم باشد و اندازه آن به مقداری که عرف عادتاً آن را تحمل نکنند و ارتکاب فعل حرام باید، تنها جهت دفع ضرورت و نجات نفس باشد. اگر مضطر بتواند با اقدامات دیگری مثلاً فرار از صحنه، استمداد از دیگران، خریداری چیزی مانند آن و... از خود رفع ضرورت کند، دیگر ارتکاب فعل حرام برای او جایز نخواهد بود. مثلاً گرسنه‌ای که دچار اضطرار شده در صورت قدرت بر خرید طعام نمی‌تواند دست به سرقت بزند یا مبادرت به خوردن گوشت مردار کند. چنان‌که در علم اخلاق ما تشویق به تحمل رنج و سختی در حد توان شده‌ایم تا حدی که بهترین و با فضیلت‌ترین عمل را سخت‌ترین آن دانسته‌اند.

شرایط اقدام مضطر

اقدام مضطر باید به اندازه حاجت و متناسب با شرایط باشد. چنان که گفته‌اند: «الضرورات تقدر بقدرها» (سیدمحمد کاظم المصطفوی، ۱۴۱۲، ص ۱۵۷) از این راه قانونی به اندازه‌ای باید استفاده شود که خطری را از انسان دور نماید و دفع ضرورت کند نه بیش‌تر از آن چون موضوع آن هنگام ضرورت و ناچاری بوده حال که دفع ضرورت شده حکم آن نیز تغییر نموده و با تغییر موضوع، حکم نیز تغییر پیدا می‌کند یعنی حکم ثانویه با تغییر شرایط و از بین رفتن ضرورت به حکم اولی واقعی خود برمی‌گردد.

اضطرار به قتل

زمانی مسؤولیت کیفری متوجه شخص می‌شود که عمل را با اختیار کامل انجام دهد. لذا اگر شخصی به انجام دادن کاری مجبور شود، عقاب از او برداشته می‌شود مگر در مسأله قتل که استثنا شده است. در مورد اضطرار نیز همین حکم صادق است. کسی که به خوردن غذا حرام ناچار شده باشد یا به انجام و یا به ترک کاری اضطرار پیدا کند مطابق قاعده: «کل محرم اضطرالیه فهو حلال» مسؤولیتی متوجه او نخواهد بود و انجام آن کارهای ضروری بر او حلال خواهد بود. اما همین رخصت در مسأله قتل استثناء شده است. یعنی شخص مجاز نیست به خاطر گرسنگی خود مبادرت به کشتن شخص محترمی کند. به‌عنوان مثال: حرام است شخصی کسی را بکشد تا از گوشت و خون او دفع ضرورت کند. لذا در حقوق موضوعه آمده است که اکراه و اضطرار به قتل رافع مسؤولیت نخواهد بود.

اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود:

درخصوص اکراه، شخص مکرره در غیرمسأله قتل اگر مجبور به اضرار بر کسی می‌شد، مسؤولیتی متوجه او نمی‌شد اما شخص مضطر نمی‌تواند برای دفع ضرر از خود، به کسی آسیب وارد کند. زیرا این دفع مسؤولیت فقط نسبت به شخص مضطر از جانب خداوند منان لطف و رحمت است. لذا او نمی‌تواند این ضرر را متوجه برادر خود کند. این امتنان از طرف خداوند مجوز زیان به غیر نمی‌شود. جان و مال مردم همان حرمت را دارد که جان و مال او برای خودش حرمت دارد.

هم چنین اکراه با اضطرار فرق ماهوی دارد. یعنی در اکراه ضرر ابتدا به غیر متوجه است و بر مکره واجب نیست برای دفع ضرر از غیر، متحمل ضرر شود، ولی در اضطرار چنین نیست، در اضطرار، ابتدا ضرر خود شخص مضطر را تهدید می‌کند، خداوند مهربان هم تفضلاً ارتکاب حرام را برای نجات شخص زیان‌دیده با رعایت شروط ذکر شده مباح دانسته است. چرا که هیچ چیز نمی‌تواند با ارزش جان و آبرو مسلم برابری نماید.

آیا همه احکام ضرری در دین نفی شده است:

بدون شک ما احکام زیادی در دین داریم که با مشقت و تحمل ضرر و رنج همراه است از قبیل جهاد، زکات، خمس، نفقه، قصاص یا روزه گرفتن در فصل تابستان. آیا وضع این نوع احکام با این اصل که در دین حکم ضرری نیست منافات ندارد؟

در پاسخ گفته شده است: اگرچه برخی از احکام به ظاهر ضرری به نظر می‌رسد ولی پس از دقت و امعان نظر معلوم می‌شود که این احکام فایده‌هایی برای شخص و جامعه در بردارد. مثلاً درآمدی که از خمس و زکات حاصل می‌شوند، آثار آن به جامعه برمی‌گردد مانند ساختن و نگهداری راه‌ها، جاده‌ها، پل‌ها و نگهداری مرزهای کشور، تأمین مخارج نیروهای دفاعی، حفظ امنیت، مصارف فرهنگی یا بهداشتی و ایجاد رفاه برای مستمندان که از اهمیت خاصی برخوردار است.

هم چنین وضع احکام کیفری یا جهاد در راه خدا که توأم با رنج و مشقت است خود لطفی است که موجب حفظ حیثیت و ارزش‌های جامعه اسلامی می‌شود و امنیت و سلامت را به امت اسلامی هدیه خواهد کرد. چنانچه انبیاء و ائمه معصومین (ع) اذیت و آزاری که در جهت صیانت و تبلیغ رسالت خود متحمل شدند، بر کسی پوشیده نیست. هر آینه اگر شهادت و اسارت امام حسین (ع) و فرزندان او نبود، شاید از دین اسلام جز نامی نمی‌ماند. اما روزه گرفتن در هوای گرم و وضو ساختن در زمستان با آب سرد خود تمرینی است که به دنبال آن تزکیه نفس، تقویت اراده، همدردی با مظلومان، تحکیم قوای روحانی و ملکوتی انسان است.

عاشقی شیوه زندان بلاکش باشد

ناز پروده تنعم نبرد ره به دوست

(حافظ)

کاربرد قاعده اضطرار

۱- در جنگ: گاهی لشکر کفار در جنگ با مسلمین، کودکان و زنان را سپر خود قرار داده و درپناه آن‌ها به صفوف مسلمین حمله می‌کردند و تنها راه غلبه مسلمین بر کفار نیز از طریق کشتن آن‌ها ممکن بود. لذا در باب جنگ و جهاد با کافر این مورد استثنا شده است. یعنی در جنگ با کفار، کشتن دیوانگان، کودکان و زنان آنان جایز نیست، هر چند آن‌ها به کفار کمک کنند مگر در صورت اضطرار. (شراعی الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۷)

۲- خوردن و آشامیدن: اگر کسی به خوردن و آشامیدن غذای حرام مضطر شود، می‌تواند به مقداری که اضطرار برطرف شود از آن‌ها استفاده کند. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد به عنوان مثال اگر کسی در هنگام فحطی برای رفع گرسنگی خود، اقدام به سرقت کند، دست او بریده نمی‌شود یا از امام صادق (ع) نقل شده است: «کسی که به خوردن مودار و خون و گوشت خوگ مضطر شده باشد اگر برای نجات جان خود از آن‌ها استفاده نکند، کافر موده است» (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۵۲۰)

۳- معالجه با مشروبات الکلی: معالجه با مشروبات الکلی زمانی تجویز شده است که راه دیگری برای درمان امکان‌پذیر نباشد. بنابراین شخص باید یقین کند که راه علاج دیگری وجود ندارد یعنی اگر از این طریق معالجه نشود، مرگ او حتمی است. در غیر این صورت حتی اگر مشکوک باشد و معلوم نگردد که راه منحصر به فرد معالجه، نوشیدن مشروبات است باز هم نمی‌توان به آن اقدام کرد بلکه باید در جست‌وجوی راه‌حل دیگری باشد. در تحریرالوسیله آمده است: «معالجه با شواب بلکه با هر مست‌کننده‌ای حتی در صورت انحصار نیز بنا بر مشهور جایز نیست و لکن تحت شرایطی جواز آن خالی از قوت نیست.» (امام‌خینی، ج ۲، ص ۱۷۰)

۴- مراجعه به پزشک نامحرم: لمس زن توسط مرد و برعکس حرام است. مگر در صورت ضرورت، مانند گرفتن خون، شکسته‌بندی، اندازه‌گیری نبض، حرارت، فشارخون و جراحی و معاینه و تزریق توسط پزشک معالج؛ در صورتی که پزشک موافق با مریض از لحاظ جنسیت در دسترس نباشد آن هم به اندازه کفایت و ضرورت باشد. در توضیح‌المسائل فقهای عصر ما چنین آمده است: «اگر هنگام معالجه چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد، اشکال ندارد.» (خلیل فله‌ای، ۱۳۸۰ش، ص ۵۸-۵۵)

۵- تشویع بدن مسلمان برای حفظ جان مسلمان یا مسلمانان: با این‌که جسد مسلمان متوفی مانند جان او از حرمت و احترام خاصی برخوردار است و واجب کفایی است که مسلمانان در کفن

و دفن او شرکت داشته باشند و با عزت او را به خاک سپارند ولی از باب اضطرار اگر حفظ جان مسلمانی یا عده‌ای از مسلمانان بر تشریح مردن مسلمان توقف داشته باشد و تشریح غیرمسلمان ممکن نشود، تشریح مرده مسلمان جایز است و در قطع اعضا و پیوند آن‌ها نیز آمده است: قطع عضویت و پیوند آن بر شخص زنده جایز نیست اگر میت مسلمان باشد مگر این که حیات مسلمانی موقوف بر آن باشد که در این صورت جایز است. (همان منبع)

۶- شکافتن شکم زن حامله: اگر زن حامل و باردار بمیرد و حمل در رحم او زنده باشد برای نجات بچه زنده شکافتن شکم مادر جایز بلکه واجب است. روایتی به این مضمون از امام موسی بن جعفر (ع) به دست ما رسیده است. هم چنین تقطیع اعضای مرده حرام است مگر این که ضرورت ایجاب کند. مانند این که بچه‌ای در رحم مادرش مرده باشد برای نجات مادر جایز است بلکه واجب است جسد جنین را قطعه‌قطعه کرده از رحم مادر بیرون آورند. برای اثبات این حکم به روایت وهب بن وهب استفاده می‌شود: «جایز است در این صورت کسی شکم مادر را بشکافد و فرزند را از داخل شکم مادر خارج کند.» بنابراین وقتی که خطری جان مسلمان را تهدید کند همه این محرمات، در حد ضرورت حلال می‌شود. (همان منبع)

۷- سقط جنین: با حکم اولی سقط جنین در هر مرحله‌ای حرمت است. یعنی اگر زن احتمال حاملگی و بارداری بدهد نمی‌تواند دارویی بخورد که موجب سقط جنین شود، اما همین حکم ثابت در هنگام اضطرار تغییر پیدا می‌کند مثلاً اگر قبل از پیدایش روح در جنین برای نجات مادر کارشناسان تشخیص بدهند که جنین باید سقط شود، در این فرض سقط جنین جایز است. اما اسقاط جنین بعد از پیدایش روح برای نجات مادر بین علما اختلاف نظر است. یعنی اگر اسقاط جنین نشود منجر به مرگ مادر می‌شود در این فرض بحث تراحم به وجود می‌آید که بین این دو تکلیف متراحم آن که اهم است ترجیح داده می‌شود. یعنی نجات جان مادر اولی است. در هر صورت آنچه مدعی ما را ثابت می‌کند این است که هرگاه انسان بین دو محذورین متحیر بماند آن قسمتی را که آسان‌تر و ضرر آن کم‌تر است را انتخاب می‌نماید. (همان منبع)

۸- سرقه در حال اضطرار: اگر کسی مضطر شود، غذای کسی را بدزدد حد بر او جاری نمی‌شود، زیرا علاوه بر قاعده اضطرار نص خاصی در این خصوص نیز وارد شده است که همه فقها مطابق آن فتوا داده‌اند. اگرچه روایات وارده در خصوص سال قحطی است اما به حکم تخریح

مناطق، سال‌های غیرقحطی را نیز تعلق می‌گیرد چون در علت و ملاک اتحاد دارند. (همان منبع)

۹- قتل نفس در حال اضطرار: قتل نفس در حال اضطرار جایز نیست. همان‌گونه که قبلاً اشاره شده است، اکراه و اضطرار به قتل رافع مسؤولیت نیست. یعنی شخص نمی‌تواند برای دفع ضرر از خود، به دیگری ضرر بزند و برای نجات خویش مسلمانی را از پای درآورد چون خون او از خون دیگری رنگین‌تر نیست. البته اگر کیان دین، آبرو و ناموس مسلمین و مصلحت نظام اسلامی به عبور از خون برادر مؤمن باشد تحت رعایت شرایطی جایز است که مصداق آن در باب جهاد با کفار وجود دارد. یعنی اگر کفار مسلمانان را سپر خود قرار دهند و غلبه بر دشمن میسر نگردد مگر از طریق کشتن مسلمانان در آن صورت حکم بر اساس قاعده «کل محرم عند الاضطرار مباح» تغییر پیدا می‌کند. (خلیل قبله‌ای، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۵-۵۸)

۱۰- اضطرار به عمل نامشروع: در مورد اضطرار، فاضل مقداد داستانی را نقل می‌کند و می‌نویسد: زنی نزد خلیفه دوم آمد و گفت: ای خلیفه من زنا کرده‌ام حد خدا را بر من اقامه کنید، خلیفه دستور داد او را رجم کنند. امیرالمؤمنین (ع) حاضر بودند و گفتند از او بپرسید چگونه زنا کرده است؟ آن زن داستان خود چنین بازگو کرد: من در بیابان بودم، تشنگی بر من غلبه کرد. از کسی آب طلب کرده بودم. او جرعه آب را مشروط به عمل شنیع نمود. در حالی که رمقی برای من نمانده بود به این کار مضطر شدم. امیرالمؤمنین فرمود این اضطرار است و همان است که خدای تعالی در قرآن مجید فرموده است: «فمن اضطر غیر باع و لا عا دة لہ علیہ» و این دلالت می‌کند بر این که کیفر حد از انسان مضطر برداشته شده است و هیچ مسؤولیت جنایی متوجه او نیست. (دکتر فیض، ۱۳۷۹، ص ۲۳۸)

احکام اضطراری در فقه اهل سنت

۱- در حالت اضطرار هر چیز حرامی که سد جوع یا رفع تشنگی کند مانند گوشت مردار از هر حیوانی و خوگ و طعام غیر، جایز و مباح است. منظور از طعام غیر یعنی این که طعامی که مالک آن دیگری است در حال اضطرار بدون اجازه از مالک آن می‌توان دفع گرسنگی کرده (دکتر وهبه الزحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۶۱۳)

۲- در فقه شافعی، شکافتن شکم حامل برای اخراج حمل تجویز شده است؛ فرقه مالکیه نیز نظیر این فتوا را دارند، بنابراین در صورتی که ضرورت اقتضا کند جسد مرده مسلمان تشریح گردد، در این حالت تشریح مجاز خواهد بود. و هم‌چنین تشریح به قصد تعلیم و کارآموزی و یا به قصد

کشف جریم و اثبات آن بر متهم جایز خواهد بود. (همان منبع، ص ۲۶۰۹)

۳- معالجه با شراب در صورتی که طیب عادل و مسلمان تشخیص دهد که مرض با شراب معالجه می‌شود و داروی دیگری غیر از شراب وجود ندارد که آن را مداوا کند بر شخص مریض علم حاصل شود که معالجه با شراب مؤثر است، معالجه با شراب جایز خواهد بود. (همان منبع، ص ۲۶۰۶)

۴- نوشیدن شراب در حال اضطرار، نوشیدن شراب در حالت اکراه و رفع عطش به اندازه‌ای که رفع ضرورت کند جایز است. (همان منبع، ص ۲۶۱۱)

۵- کشتن نیروهای دشمن با وسایل و جنگ‌افزارهای جدید و مدرن در حالت اضطرار هر چند در میان آنان اسیران و تاجران مسلمان وجود داشته باشند، جایز است؛ زیرا کشتن آنان ضرورت است ولی لازم است مسلمانان در این حمله‌ها کفار را قصد کنند نه اسیران و تاجران مسلمان را، زیرا قصد کشتن آنان ضرورت نیست و اگر نیروهای دشمن، کودکان و اسیران مسلمانان را سپر خود قرار دهند و بدین وسیله به مسلمانان حمله کنند جایز است نیروهای دشمن را هدف قرار داده و آنان را از خود دور کنند هر چند در این دفاع کودکان و اسیران مسلمان نیز کشته شوند. (همان منبع، ج ۸، ص ۵۸۵۸)

۶- هم‌چنین دکتر زحیلی که از علمای اهل سنت است در این کتاب اشاره دارد که پیوند عضوی از اعضای انسان به شخصی که حیات او متوقف به آن است جایز است و فروش اعضای بدن انسان برای مداوای شخص دیگر مثل فروش قلب، کلیه و چشم هرگاه پزشک مسلمان، عادل تشخیص دهد بدون اشکال است. و اگر چیز پاک‌تری را برای درمان شخص بیمار نیافتیم می‌توان با چیزی نجس به درمان او پرداخت، چون مصلحت در کسب سلامت مؤمن به مراتب بیش‌تر از مصلحت پرهیز از نجاست است. یا کسی که عطش بر او غلبه کرد می‌تواند به وسیله شراب رفع عطش کند یا در جای دیگر می‌گوید: نظر کردن پزشک مرد به زن مسلمان در صورتی که پزشک زن نباشد بلامانع است. یا تشریح بدن حیوان به قصد تعلیم و آموزش متربیان و آزمایش حیوان برای کشف قوانین پزشکی را جایز می‌داند چون برای تأمین مصلحتی است اگرچه حیوان مورد اذیت و آزار قرار گیرد اما چون منافع و خدمات به دست آمده از این آزمایش برای نسل بشر، به مراتب بیش‌تر از اذیت و آزار حیوان است لذا این موارد به حکم اضطرار از قانون حرمت خارج شده است. (دکتر وهبه‌الزحیلی، ۱۴۱۸ ق. ۴، ص ۲۶۵۳-۲۶۰۶)

مصادیق احکام ضروری در حقوق اسلامی

- لزوم عقد بیع غبنی، حکمی است که موجب ضرر و زیان شخص مغبون می‌شود. و اگر طرفین معامله در داد و ستد، متحمل ضرر فاحشی شوند که عرف آن را تحمل نکنند. به موجب خیار غبن می‌توانند آن عقد را فسخ کنند. (محمدبن مکی، ۱۳۶۸ ش، ص ۷۳)
- لزوم عقد بیع بدون رعایت حق شفعه شریک، حکمی است زیان‌آور برای شریک بدین سبب قاعده لاضرر این حکم لزوم را برداشته به شریک حق شفعه می‌دهد یا این که شفیع نمی‌تواند نسبت به بعضی از مبیع اعمال حق شفعه کند زیرا باعث ضرر و زیان مشتری می‌شود. (شهید ثانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۵)
- در خصوص روایت مربوط به سمره، حکم سلطنت مالک بر ورود به محلی که تخلی در آن‌جا داشته بدون کسب اجازه قبلی از شخص انحصاری، حکمی ضروری بوده برداشته شده است. (موسوی بجنوردی، چاپ دوم، بی‌تا، ص ۵۳)
- در باب ولایت پدر و جد پدری بر پسر و دختر صغیر، هرگاه نکاح به ضرر آن‌ها باشد، پس از بلوغ برای آن‌ها حق فسخ نکاح به وجود می‌آید و حتی در صورتی که اصل نکاح به ضرر آن‌ها نباشد ولی اگر نکاح با مهری کم‌تر از مهرالمثل باشد برخی از فقها معتقدند که حق اعتراض و فسخ برای آن دختر و پسر به وجود می‌آید. (شهید ثانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۷۶)
- حکم وجوب وضو برای کسی که باید آب را به بهای سنگینی بخرد، حکمی است ضروری و بر اساس این قاعده چنین حکمی برداشته شده است. (دکتر ابوالحسن محمدی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۷۷)
- و تمکن مرد برای دادن نفقه همسر آینده خود شرط وجوب اجابت درخواست او از سوی زن یا ولی او است و در شرح این مسأله آمده است که: «زیرا صیو بر فقر ضرر بزرگی برای زن است» (همان منبع، ص ۱۷۷)

احکام اضطراری در قانون مجازات اسلامی

ماده ۵۵: «هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد. مشروط بر این که خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد.»

بند ۱ ماده ۵۶: «اعمالی که برای آن‌ها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب

نمی‌شود: در صورتی که ارتکاب عمل به امر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد»
 ماده ۶۱: «هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب‌الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.»
 ماده ۱۶۲: «هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت، به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد.»
 ماده ۱۹۸: «شرط است سارق مضطر نباشد» یعنی: اگر کسی مضطر باشد که دزدی کند مطابق ماده فوق حد از او ساقط می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الزحیلی، دکتر وهبه، ۱۴۱۸ق، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، دارالفکر.
۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، بی‌تا، قم، دارالکتب العلمیه اسماعیلیان نجفی. ۴. حافظ
۵. حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع).
۶. حرّ، دکتر خلیل، ۱۳۸۱ش، فرهنگ لاروس، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۷. شهید اول، محمد بن مکی، ۱۳۶۸ش، لمعه دمشقیه، قم، انتشارات دارالفکر.
۸. شهید ثانی، زین‌الدین، ۱۳۷۲ش، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. فیض دکتر علیرضا، ۱۳۷۸ش، مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. فیض دکتر علیرضا، ۱۳۷۹ش، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات امیرکبیر.
۱۱. قانون مجازات اسلامی.
۱۲. قبله‌ای خویی، خلیل، ۱۳۸۰ش، قواعد فقه بخش جزا، انتشارات سمت.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، بی‌تا، اصول کافی، انتشارات اسلامیه.
۱۴. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن الحسن، بی‌تا، شرایع الاسلام، بیروت، دارالاضواء.
۱۵. محمد کاظم مصطفوی، ۱۴۱۲ق، مائه القواعد الفقهیه، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. محمدی، دکتر ابوالحسن، ۱۳۷۹ش، قواعد فقه، تهران، نشر دادگستر.
۱۷. میرزا حسن موسوی بجنوردی، ۱۳۹۰ق، القواعد الفقهیه، چاپ نجف.